**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**فهرست مطالب:**

[قاعده تعزیر 2](#_Toc428282078)

[مرور بحث پیشین 2](#_Toc428282079)

[مناقشه در استدلال فوق 2](#_Toc428282080)

[مناقشه اول 2](#_Toc428282081)

[اتخاذ مبنا 2](#_Toc428282082)

[پاسخ به رد فوق 3](#_Toc428282083)

[مناقشه دوم 3](#_Toc428282084)

[تقریر مناقشات در بحث 3](#_Toc428282085)

[بیان احتمالات در احادیث گذشته 4](#_Toc428282086)

[احتمال اول 4](#_Toc428282087)

[احتمال دوم 4](#_Toc428282088)

[مفاد حدیث بنابراین احتمال 5](#_Toc428282089)

[اتخاذ مبنا 5](#_Toc428282090)

[احتمال سوم 6](#_Toc428282091)

# قاعده تعزیر

# مرور بحث پیشین

در جلسه سابق روایاتی بیان شد که در طی آن‌ها فرموده شده بود؛ خداوند حدودی را قرار داده است که برای متجاوز از آن حدود حدی دیگر در نظر گرفته‌شده است. برخی چنین عقیده داشتند که در روایات بیان‌شده، حد به معنای مطلق عقوبت است و تعزیر را نیز دربر می‌گیرد.

## مناقشه در استدلال فوق

این دلیل دومی بود که برای تعمیم موارد تعزیر بیان شد اما توسط آقای گلپایگانی مورد مناقشه قرارگرفته است، همچنان که آقای خوانساری و تبریزی نیز این گونه‌اند، برخلاف آقای خویی، فاضل و مؤمن.

## مناقشه اول

حد دارای معانی متعددی است و حمل آن بر معنای قوانین خلاف سیاق کلام و ظاهر است.

## اتخاذ مبنا

اشکال واردشده قابل پاسخ‌دهی است، چراکه حد در شریعت به این معنا به‌کاررفته است. پس درست است حد به معنای حد تکوینی همانند آیه شریفه «**تِلْک حُدُودُ اللَّهِ فَلا تَعْتَدُوها»** [[1]](#footnote-1)به کار می‌رود اما در شریعت به معنای قانون نیز استعمال شده است.

لذا در اینجا امر خلاف ظاهری اتفاق نیفتاده است. اما اگر اشکال بدین نحو تقریر شود که حد دارای معانی متعددی است و شاید استعمال آن در معنای حد تکوینی بیشتر باشد، لذا در اینجا نیازمند قرینه‌ایم، می‌تواند اشکال واردی باشد.

## پاسخ به رد فوق

اما در قبال این تقریر نیز می‌توانیم بگوییم؛ در روایاتی که در این مقام آورده شد در مواردی قرینه وجود دارد که مراد از حد همان معنای قانونی آن است.

## مناقشه دوم

مناقشه دیگر و فنی‌تری که از جانب آقای تبریزی حفظه الله مطرح‌شده، این است که؛

تعبیر کل شیء در روایت تعبیر حقیقی نیست چراکه حد در اینجا مطلق قانون نیست، بلکه مواردی مراد است که خداوند برای محدودیت جعل نموده است.

## تقریر مناقشات در بحث

در این روایات چند اشکال ایرادشده است که در طی این بحث به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود؛ در طول روایت گذشته سه بار کلمه حد به‌کاربرده شده است و کلمه سوم برخلاف دو مورد سابق در معنای متفاوتی به‌کاررفته است، لذا به‌تبع آن، در دو کلمه سابق نیز احتمالات دیگری به وجود می‌آید.

### بیان احتمالات در احادیث گذشته

### احتمال اول

یک احتمال این است که حد اول به معنای لغوی و به معنی مقدار باشد؛ یعنی خداوند برای هر شیء ای در این عالم ابتدا، انتها و حدی قرار داده است و با این می‌شود اشاره کرد به همان امر فلسفی که درواقع کل شیء، غیر خداوند محدود است و انتهایی و مقداری دارد.

این‌یک احتمال است که در صورت تنها بودن جمله اول می‌توانست موردقبول واقع شود. اما در ادامه آن، جمله‌ای است که نمی‌گذارد این احتمال موردپذیرش قرار گیرد، «**جَعَلَ لِمَنْ تَعَدَّی ذَلِک الْحَدَّ حَدّاً»[[2]](#footnote-2).** این جمله نشان می‌دهد که در اینجا جعل تشریعی است. قرینه دوم نیز خود سیاق است، چراکه بحث در حد زنا و حد سرقت است، آقای گلپایگانی و خوانساری به‌اجمال در این روایت رسیدند و این احتمال اول را منتفی ندانسته‌اند، درحالی‌که این احتمال ضعیف است.

### احتمال دوم

احتمال دومی که در این احادیث مطرح است، این است که مراد از کلمه حد معنای خاص آن و به معنی مقررات تعیین‌شده در شریعت است، لذا طبق این احتمال جعل نیز به معنی جعل تشریعی و قانون‌گذاری خواهد بود.

و در قبال کل شیء قرینه داخلی پیدا می‌شود که منظور همه آن موارد نیست. حتی منظور همه مواردی که خدا در آنجا مرز حلال و حرام قرار داده نیز نیست. بلکه محدوده خاصی از گناهان و معاصی است که مراد موارد خاص حدود است.

###  مفاد حدیث بنابراین احتمال

مفاد حدیث بنا بر احتمال دوم، این می‌شود که خداوند برای معصیت‌های معین، حدود مشخصی را قرار داده است. و در روایات دیگری این مضمون واردشده که خداوند حدودی را برای معصیت‌های مشخصی معین کرده است. کسی حق ندارد، از آن مقدار حدی که خدا تعیین کرده است، عبور کند.

### اتخاذ مبنا

این احتمال صحیح و مضمون آن در روایات مکرراً وجود دارد، برخی از آن‌ها روایاتی است که در ابواب مقدمات حدود، باب دوم، حدیث سومش ذکرشده است که؛

**«أَبُو عَلِی الْأَشْعَرِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِی عَنْ أَبِی جَمِیلَةَ عَنِ ابْنِ دُبَیسٍ الْکوفِی عَنْ عَمْرِو بْنِ قَیسٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع یا عَمْرَو بْنَ قَیسٍ أَ شَعَرْتَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْسَلَ رَسُولًا وَ أَنْزَلَ عَلَیهِ کتَاباً وَ أَنْزَلَ فِی الْکتَابِ کلَّ مَا یحْتَاجُ إِلَیهِ وَ جَعَلَ لَهُ دَلِیلًا یدُلُّ عَلَیهِ وَ جَعَلَ لِکلِّ شَی‌ءٍ حَدّاً وَ لِمَنْ جَاوَزَ الْحَدَّ حَدّاً قَالَ قُلْتُ أَرْسَلَ رَسُولًا وَ أَنْزَلَ عَلَیهِ کتَاباً وَ أَنْزَلَ فِی الْکتَابِ کلَّ مَا یحْتَاجُ إِلَیهِ وَ جَعَلَ عَلَیهِ دَلِیلًا وَ جَعَلَ لِکلِّ شَی‌ءٍ حَدّاً قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ کیفَ جَعَلَ لِمَنْ جَاوَزَ الْحَدَّ حَدّاً قَالَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَدَّ فِی الْأَمْوَالِ أَنْ لَا تُؤْخَذَ إِلَّا مِنْ حِلِّهَا فَمَنْ أَخَذَهَا مِنْ غَیرِ حِلِّهَا قُطِعَتْ یدُهُ حَدّاً لِمُجَاوَزَةِ الْحَدِّ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَدَّ أَنْ لَا ینْکحَ النِّکاحُ إِلَّا مِنْ حِلِّهِ وَ مَنْ فَعَلَ غَیرَ ذَلِک إِنْ کانَ عَزَباً حُدَّ وَ إِنْ کانَ مُحْصَناً رُجِمَ لِمُجَاوَزَتِهِ الْحَدَّ.» [[3]](#footnote-3)**

در اینجا بحث این نیست که در مقام اجرای حد اگر کسی عبور کند، مجازات می‌شود. بلکه بحث این است که خدا برای اعمال و رفتارهای ما حدودی قرار داده است و کسی از این اعمال و رفتارها اگر عبور کند، آن‌وقت مجازاتی برای او مقرر می‌شود.

در حقیقت هم احتمال اول و هم احتمال دوم خلاف سیاق، صدر و ذیل روایات است. یعنی بحث روایات در مقام اجرای حد نیست. و معنایی که برای کل شیء در روایت ارائه شد امری است که موجب استهجان خواهد شد و به اطلاق روایت ضربه می‌زند.

### احتمال سوم

احتمال سوم این است که منظور از حد در صدر قانون و مقرراتی هست که شرع قرار داده است. خدا برای هر عمل انسان مقرراتی قرار داده است.

1. **229/بقره** [↑](#footnote-ref-1)
2. **الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 176** [↑](#footnote-ref-2)
3. **الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 175** [↑](#footnote-ref-3)